



The Role of Ownership Structure in Controlling Banks' Entrenchment Behavior: The Moderating Role of Audit Committees

Seyed Reza Seyed Nezhad Fahim * 

*Corresponding Author, Assistant Prof., Department of Accounting, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran. E-mail: fahim_re@iau.ac.ir

Sadegh Yousefnezhad 

Assistant Prof., Department of Accounting, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran. E-mail: sadegh.yousefnezhad@iau.ir

Abstract

Objective

Banking entrepreneurship has emerged as one of the most significant structural and regulatory challenges confronting Iran's banking system. This phenomenon, often interpreted as non-banking activities, diverts capital inefficiently from financial intermediation toward direct investments in commercial enterprises, thereby significantly undermining resource allocation efficiency and heightening systemic risks. From the perspective of agency theory, the root of this behavior can be explained by managers' short-term interests and their conflict of interest with retail investors. The main objective of this study is to empirically assess the efficiency of ownership structure and the performance quality of the audit committee in restraining Iranian banks' propensity toward entrepreneurship. This study seeks to examine whether strengthening these two supervisory pillars can help redirect banks toward their core mission.

Methods

This study is descriptive in terms of its applied objective and the nature and method of data collection. Its primary goal is to determine the existence, extent, and nature of the impact of the variables under examination. Given that it uses historical data to test its hypotheses, it is

Citation: Seyed Nezhad Fahim, Seyed Reza & Yousefnezhad, Sadegh (2026). The Role of Ownership Structure in Controlling Banks' Entrenchment Behavior: The Moderating Role of Audit Committees. *Accounting and Auditing Review*, 33(3), 548-573. (in Persian)



categorized as an ex-post facto study and theoretically falls within the realm of positivist research. This study uses a deductive-inductive approach. The statistical population of the research comprises active banks in Iran. Accordingly, a sample of 20 banks was selected over a 10-year period (2014–2023) to test the research hypotheses. The hypotheses were analyzed using a multivariate regression model.

Results

The empirical results of this research confirm a significant negative association between managerial ownership and the level of banking entrepreneurship; i.e., managerial ownership significantly reduces banks' entrepreneurship. This implies that as managers' share of bank ownership increases, their incentives to engage in entrepreneurship diminish, aligning their personal interests more closely with those of shareholders. Furthermore, ownership concentration as an effective monitoring mechanism has reduced the extent of banking entrepreneurship, indicating an increase in the effectiveness of shareholders' supervision. Contrary to expectations, state ownership and institutional ownership did not exhibit a significant effect on constraining this phenomenon, which may reflect governance deficiencies in these sectors. Most importantly, the hypothesis concerning the moderating role of the audit committee within Iran's banking framework was not supported, implying that formal internal control mechanisms have so far been ineffective in mitigating the banks' inclination toward entrepreneurship.

Conclusion

The findings indicate that banks' enterprising behavior in Iran is shaped less by conventional corporate governance frameworks and more by political interventions, institutional weaknesses, and regulatory shortcomings. Accordingly, to address the phenomenon of bank enterprising, institutional reforms are recommended at three levels: first, given the limited effectiveness of audit committee independence, alternative internal governance mechanisms should be identified and strengthened; second, the government's role in banking institutions should be redefined, with political interventions minimized; and third, the capacity, oversight role, and independence of institutional shareholders should be enhanced. The findings of this study may provide a basis for revising banking regulatory frameworks and offer valuable guidance to policymakers, bank executives, and supervisory authorities in redirecting banks toward their core mandate of financing productive activities and supporting economic growth.

Keywords: Banking entrepreneurship, Ownership structure, Audit committee, Corporate governance, Iranian banking system.



بررسی نقش ساختار مالکیت در کنترل رفتار بنگاهداری بانک‌ها با در نظر گرفتن نقش تعدیلگر کمیته حسابرسی

سید رضا سیدنژاد فهیم*

* نویسنده مسئول، استادیار، گروه حسابداری، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران. رایانامه: fahim_re@iau.ac.ir

صادق یوسف نژاد

استادیار، گروه حسابداری، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران. رایانامه: sadegh.yousefnezhad@iau.ir

چکیده

هدف: بنگاهداری بانک‌ها، طی سال‌های اخیر، به یکی از چالش‌های ساختاری و نظارتی نظام بانکی ایران بدل شده است. این پدیده که اغلب به صورت فعالیت‌های غیربانکی تعبیر می‌شود با هدایت غیربهرینه سرمایه از بخش واسطه‌گری مالی به سمت سرمایه‌گذاری‌های مستقیم در بنگاه‌های اقتصادی، کارایی تخصیص منابع را به شدت تضعیف و ریسک‌های سیستمی را تشدید می‌کند. ریشه این رفتار، مطابق با تئوری نمایندگی، در منافع کوتاه‌مدت مدیران و تضاد منافع با سرمایه‌گذاران خرد تبیین می‌شود. هدف اصلی این پژوهش، ارزیابی تجربی میزان کارایی ساختار مالکیت و کیفیت عملکرد کمیته حسابرسی، در مهار گرایش بانک‌های ایرانی به بنگاهداری است. این مطالعه در پی پاسخ به این فرضیه است که آیا تقویت این دو رکن نظارتی، می‌تواند به بازایی تمرکز بانک‌ها بر وظیفه اصلی‌شان کمک کند؟

روش: این پژوهش از بُعد هدف کاربردی و از نظر ماهیت و روش گردآوری اطلاعات، از نوع پژوهش‌های توصیفی است و هدف اصلی آن تعیین وجود، میزان و نوع تأثیر متغیرهای مورد آزمون است. از آنجا که این پژوهش از اطلاعات گذشته برای آزمون فرضیه‌ها استفاده می‌کند، از نوع تحقیقات پس‌رویدادی و از لحاظ تئوریک از نوع تحقیقات اثباتی است. استدلال این پژوهش نیز از نوع قیاسی - استقرایی است. جامعه آماری این پژوهش، بانک‌های فعال در ایران است که در نهایت تعداد ۲۰ بانک، طی دوره ۱۰ ساله ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۲ به‌منظور آزمون فرضیه‌ها انتخاب و با استفاده از مدل رگرسیون چندمتغیره تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: یافته‌های تجربی پژوهش، هم‌بستگی معنادار منفی میان مالکیت مدیریتی و سطح بنگاهداری بانک‌ها را تأیید می‌کند؛ یعنی مالکیت مدیریتی به‌طور معناداری موجب کاهش سطح بنگاهداری بانک‌ها شده است. این امر حاکی از آن است که هرچه سهم مدیران در مالکیت بانک افزایش یابد، انگیزه آن‌ها برای ورود به فعالیت‌های بنگاهداری کاهش می‌یابد و منافع شخصی آنان با منافع سهام‌داران هم‌راستا می‌شود. علاوه بر این، تمرکز مالکیت نیز به‌عنوان یک سازوکار نظارتی مؤثر، میزان بنگاهداری را کاهش داده است؛ این امر حاکی

استناد: سیدنژاد فهیم، سیدرضا و یوسف نژاد، صادق (۱۴۰۵). بررسی نقش ساختار مالکیت در کنترل رفتار بنگاهداری بانک‌ها با در نظر گرفتن نقش تعدیلگر کمیته حسابرسی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۳۳(۳)، ۵۴۸-۵۷۳.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۹

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۰۱

doi: <https://doi.org/10.22059/acctgrev.2026.407752.1009202>

بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۴۰۵، دوره ۳۳، شماره ۳، صص. ۵۴۸-۵۷۳

ناشر: دانشکده‌گان مدیریت، دانشگاه تهران

نوع مقاله: علمی پژوهشی

© نویسندگان

از افزایش اثربخشی نظارت سهام‌داران عمده است. برخلاف انتظار، مالکیت دولتی و نهادی، تأثیر معناداری بر محدود کردن این پدیده نشان ندادند که می‌تواند مؤید خلأ حکمرانی در این بخش‌ها باشد. از همه مهم‌تر، آنکه فرضیه مربوط به نقش تعدیلگر کمیته حسابرسی در بسط نظام بانکی ایران تأیید نشد که نشان می‌دهد سازوکارهای رسمی کنترل داخلی، نتوانسته است به‌طور مؤثری گرایش به بنگاهداری را مهار سازد.

نتیجه‌گیری: این نتایج بیانگر آن است که رفتار بنگاهداری بانک‌ها در ایران، بیش از آنکه تابعی از الگوهای نظری رایج در حاکمیت شرکتی باشد، بازتابی از مداخله‌های سیاسی، ضعف نهادی و نارسایی‌های نظارتی است. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود که برای کنترل پدیده بنگاهداری، اصلاحات نهادی در سه سطح دنبال شود: نخست، با توجه به بی‌اثر بودن استقلال کمیته، سایر سازوکارهای نظارت داخلی شناسایی و تقویت شوند؛ دوم، نقش دولت در بانک‌ها بازتعریف شود و مداخله‌های سیاسی کاهش یابد؛ سوم، توانمندی و استقلال سهام‌داران نهادی ارتقا یابد. نتایج این پژوهش می‌تواند مبنایی برای بازنگری در مقررات نظارتی بانک‌ها فراهم کند و راهنمایی ارزشمند برای سیاست‌گذاران، مدیران بانکی و نهادهای ناظر در جهت بازگرداندن بانک‌ها به مأموریت اصلی آن‌ها یعنی تأمین مالی تولید و رشد اقتصادی باشد.

کلیدواژه‌ها: بنگاهداری بانک، حاکمیت شرکتی، ساختار مالکیت، کمیته حسابرسی، نظام بانکی ایران.

مقدمه

صنعت بانکداری به‌عنوان یکی از ارکان اصلی نظام اقتصادی، در رشد و توسعه پایدار کشورها نقشی تعیین‌کننده‌ای دارد. بانک‌ها از طریق واسطه‌گری مالی، منابع پراکنده را تجمیع و آن‌ها را به‌سمت فعالیت‌های تولیدی هدایت می‌کنند. علاوه‌براین، مدیریت جریان نقدینگی و اجرای سیاست‌های پولی نیز از جمله وظایف مهم آن‌ها در حفظ ثبات اقتصاد کلان به شمار می‌رود. این فعالیت نه‌تنها به جریان پول در اقتصاد یاری می‌رساند، بلکه باعث افزایش سرمایه‌گذاری، ایجاد اشتغال و توسعه پایدار می‌شود (ایزیچی و همکاران^۱، ۲۰۲۵). بااین‌حال، اقتصاد ایران در سال‌های اخیر با چالش‌های ساختاری و محیطی متعددی، ازجمله تحریم‌های اقتصادی، تنش‌های ژئوپلیتیکی و محدودیت‌های سرمایه‌گذاری مواجه بوده است که بازده فعالیت‌های تولیدی را کاهش و بانک‌ها را به‌سمت جست‌وجوی فرصت‌های سوداگرانه سوق داده است (کریمی وردنجان، حسن‌زاده سروسنایی، قوام و غفاری، ۱۳۹۹). در چنین شرایطی، پدیده بنگاهداری بانک‌ها؛ یعنی سرمایه‌گذاری گسترده در املاک، سهام و حوزه‌های غیرمولد، به معضلی مهم تبدیل شده است؛ زیرا انحراف منابع از مسیر اصلی واسطه‌گری مالی، کارایی نظام بانکی و رشد اقتصادی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد (شیائو و چن^۲، ۲۰۲۵). نحوه تخصیص منابع در میزان انطباق بانک‌ها با شرایط جدید اقتصادی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد (چن، لی و ژانگ^۳، ۲۰۲۵). موضوع بنگاهداری بانک‌ها توجه زیاد دولت‌ها و دانشگاهیان را به خود جلب کرده است؛ بنابراین، بررسی انگیزه‌های این پدیده، به‌منظور بهبود مؤثر سرمایه‌گذاری در سالی که به همین نام مزین شده است (سال ۱۴۰۴)، بسیار مهم خواهد بود.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که بنگاهداری بانک‌ها، در کل نوعی رفتار سرمایه‌گذاری است که تحت تأثیر ترکیبی از محیط اقتصادی خارجی (کریمی وردنجان و همکاران، ۱۳۹۹؛ ژائو و سو^۴، ۲۰۲۲؛ یانگ، جیانگ، ون و دای^۵، ۲۰۲۴) و سازوکارهای داخلی حاکمیت شرکتی (کائو و ژانگ^۶، ۲۰۲۴؛ لین و لونگ^۷، ۲۰۲۵) قرار دارد. در این میان، ساختار مالکیت، به‌عنوان یک ابزار حاکمیت شرکتی نقشی کلیدی ایفا می‌کند؛ زیرا نحوه توزیع مالکیت می‌تواند انگیزه‌های مدیران و جهت‌گیری تصمیم‌های هیئت‌مدیره را شکل دهد (کریمی^۸، ۲۰۲۴). وجود ساختار مالکیت کارآمد، به کاهش مشکلات نمایندگی کمک می‌کند و می‌تواند از انحراف منابع بانکی جلوگیری کند (امنجینی، موگولووا، آرنان و آناگو^۹، ۲۰۲۵). همچنین کمیته حسابرسی، به‌عنوان یکی دیگر از ابزارهای داخلی حاکمیت شرکتی، در نظارت بر گزارشگری مالی و انطباق سیاست‌ها و رویه‌های مالی با اهداف کلی سازمان نقش مهمی ایفا می‌کند (سث و ساکسنا^{۱۰}، ۲۰۲۵). آن‌ها همچنین موظف‌اند که از وجود سیستم‌های کنترل داخلی در سازمان اطمینان یابند تا ریسک‌های مالی را کاهش دهند و

1. Ezechi et al.

2. Xiao & Chen

3. Chen, Li & Zhang

4. Zhao & Su

5. Yang, Jiang, Wen & Dai

6. Cao & Zhang

7. Lin & Long

8. Kirimi

9. Emengini, Moguluwa, Aernan & Anago

10. Seth & Saxena

احتمال بروز تخلف را کم کنند (الومیر و النعیم^۱، ۲۰۲۵). این کمیته برای انجام نقش نظارتی خود و حفظ منافع سرمایه‌گذاران، باید استقلال کافی داشته باشد. طبق دیدگاه تئوری نمایندگی، وجود یک کمیته حسابرسی مستقل که مسئولیت نظارت بر مدیریت شرکت را برعهده دارد، در کاهش تنش بین مالکان و مدیریت مؤثرتر خواهد بود (اسلام و هاشم^۲، ۲۰۲۳). واقعیت این است که کمیته حسابرسی به‌تنهایی فعالیت نمی‌کند، بلکه با سایر سازوکارهای حاکمیتی مثل مالکان، مدیران و حسابرسان در ارتباط است (شارما، شارما و آنانتانارایانان^۳، ۲۰۱۱). از این رو می‌توان انتظار داشت که استقرار کمیته حسابرسی مستقل می‌تواند تأثیر مثبتی بر رابطه بین ساختار مالکان و عملکرد مناسب بانک‌ها داشته باشد.

همه این موارد سؤال‌های جالبی را در رابطه با نقش ساختار مالکیت و کمیته حسابرسی بر بنگاهداری بانک‌ها مطرح می‌کند. با وجود رشد شایان توجه ادبیات مربوط به عملکرد بانک‌ها، بخش محدودی از پژوهش‌های موجود یا بر پیامدهای بنگاهداری متمرکز بوده‌اند یا آن را در چارچوب متغیرهای کلان اقتصادی بررسی کرده‌اند، درحالی‌که نقش سازوکارهای حاکمیت شرکتی در شکل‌گیری این رفتار، به‌ویژه در نظام‌های بانکی دولتی و شبه‌دولتی، کمتر به‌صورت تجربی آزمون شده است. با این حال، ادبیات محدودی در مورد تأثیر ساختار مالکیت بر رفتار سرمایه‌گذاری بانک‌ها وجود دارد (روشن، خدارحمی و صراف، ۱۴۰۴؛ بولفون و موشلا^۴، ۲۰۲۵؛ امنجینی و همکاران، ۲۰۲۵). تا آنجا که جست‌وجو شد، این پژوهش، نخستین مطالعه‌ای است که با رویکردی یکپارچه، به بررسی تأثیر ابعاد مختلف ساختار مالکیت و نقش تعدیلگر کمیته حسابرسی بر بنگاهداری بانک‌های ایرانی می‌پردازد. انگیزه این مطالعه، نگرانی‌های مقام معظم رهبری^۵، دولت و جامعه، در خصوص افزایش سطح بنگاهداری بانک‌هاست که می‌تواند آن‌ها را از ارائه خدمات اصلی خود منحرف کند. بنابراین، شکاف پژوهشی موجود، ضرورت انجام مطالعه حاضر را آشکار می‌سازد. پرسش محوری این است که آیا ساختار مالکیت و استقلال کمیته حسابرسی، می‌توانند به کاهش بنگاهداری بانک‌های ایرانی کمک کنند؟

این پژوهش به چند دلیل مهم بر بانک‌های ایران تمرکز کرده است. نخست، ایران به‌عنوان نمونه‌ای معرف از اقتصادهای در حال توسعه، در حال گذراندن مرحله مهمی از اصلاحات بانکی است که با تمرکز بر خصوصی‌سازی، با چالش‌هایی نظیر بنگاهداری و عدم شفافیت همراه است. این مطالعه می‌تواند درک تأثیر ساختار مالکیت را افزایش دهد. دوم، بانکداری سایه در ایران به‌طور فزاینده‌ای در حال رشد است و به‌دلیل عدم فعالیت در چارچوب قوانین بانک مرکزی، می‌تواند از کارایی بانک‌ها بکاهد. سوم، با توجه به سایه سنگین تحریم‌ها و کمبود سرمایه‌گذاری‌های خارجی، اهمیت نقش بانک‌ها در هدایت سرمایه‌های داخلی بیشتر می‌شود. چهارم، سطح مالکیت دولت بر بانک‌ها گسترده است و دولت به‌عنوان سهام‌دار و مدیر اقتصادی، فعالانه در کسب‌وکارها مداخله می‌کند تا به اهداف اجتماعی و سیاسی خود دست یابد که این موضوع مشکلات نمایندگی را تشدید می‌کند. از این رو، بررسی تجربی اینکه آیا ساختار مالکیت و کمیته حسابرسی در چنین محیط نهادی می‌توانند نقش کنترلی مؤثری ایفا کنند، اهمیت علمی و سیاستی شایان توجهی دارد. مطالعه

1. Alomair & Al Naim

2. Islam & Hashim

3. Sharma, Sharma & Ananthanarayanan

4. Bulfone & Moschella

۵. شهریور سال ۱۳۹۷ بود که رهبر معظم انقلاب در دیدار با اعضای هیئت دولت به موضوع بنگاهداری بانک‌ها اشاره کردند و در همان زمان به تیم اقتصادی دولت وقت تصریح کردند که جلوی بنگاهداری بخش بانکی را بگیرد.

پیامدهای عملی را برای ادبیات بانکداری ارائه می‌کند. اول، این پژوهش پیامدهای مهمی برای مدیریت سرمایه‌گذاری بانک‌ها دارد. مدیران باید به تأثیر ساختار مالکیت بر ترجیحات تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری توجه کنند. دوم، این مطالعه بینش‌های مهمی را برای دولت فراهم می‌کند. دولت باید راهنمایی‌های معقولی را در خصوص رفتار تملیکی بانک‌ها ارائه دهد. در نهایت، نهادهای ناظر می‌توانند بر مبنای نتایج این پژوهش، سازوکارهای حاکمیتی مناسبی را برای بانک‌ها تجویز کنند.

ساختار بندی ادامه این مقاله بدین صورت است. ابتدا ادبیات مربوط به مؤلفه‌های پژوهش مرور می‌شود و روابط نظری توسعه می‌یابد. در ادامه، فرضیه‌ها و روش پژوهش ارائه می‌شود. سپس یافته‌های تجربی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها گزارش می‌شوند.

مبانی نظری

یکی از مهم‌ترین رخدادهای اقتصادی معاصر، بحران مالی جهانی ۲۰۰۸ بود که اختلال‌های گسترده‌ای در نظام مالی و اقتصاد کشورها ایجاد کرد و صنعت بانکداری را در کانون توجه قرار داد (کرتانا و کیشور^۱، ۲۰۲۴). یکی از عوامل اصلی این بحران، گسترش فعالیت‌های تجاری فراتر از بانکداری سنتی بود (کرانن، نوث و اسپچور^۲، ۲۰۱۷). در این دوره، بانک‌ها به‌طور گسترده وارد بازارهایی چون مسکن، اوراق بهادار با پشتوانه رهنی و سوآپ‌های اعتباری (کرامول و پیرا^۳، ۲۰۲۵) شدند. با این حال، این تلاش‌های سفته‌بازانه با ترکیدن حباب مسکن، به ورشکستگی مؤسسه‌های مالی مهم (بالغ بر ۴۳۵ مؤسسه) انجامید و ضرورت مداخله دولت‌ها را به دنبال داشت (الیاسیانی و جیا^۴، ۲۰۲۵). پیامد این بحران، بازنگری اساسی در چارچوب‌های نظارتی بود (ایناناولو، لینچ و مودیگ^۵، ۲۰۲۵). قانون داد - فرانک^۶ در سال ۲۰۱۰ با هدف اصلاح بخش مالی آمریکا به تصویب رسید. یک ماده اصلی این قانون، معروف به قانون ولکر^۷ که فعالیت بانک‌ها را برای مشارکت در تجارت اختصاصی محدود می‌کند، برای افزایش پاسخ‌گویی و شفافیت در صنعت مالی ایجاد شد. از سوی دیگر، بازل^۸ با هدف ایجاد الزامات سرمایه و نقدینگی سخت‌گیرانه‌تر در سرتاسر جهان، بانک‌ها را به حفظ ذخایر بزرگ‌تر و محدود کردن ظرفیت خود برای انجام فعالیت‌های خطرناک ملزم کرد (لاکوود^۹، ۲۰۲۵).

ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که ریشه بحران مالی جهانی در ریسک‌پذیری بیش‌ازحد بانک‌ها نهفته است (ماریانا و راز^{۱۰}، ۲۰۲۵) و محققانی که به دنبال علل آن بودند، دریافتند که ضعف حاکمیت شرکتی و ساختارهای مالکیت، از عوامل اصلی آن به شمار می‌آید (برگر، ایمبیروویچ و روچ^{۱۱}، ۲۰۱۶؛ بلاردینی، مورو و پریویتالی^{۱۲}، ۲۰۲۴). از آنجا که تفاوت در

1. Keerthana & Kishore
2. Krahnen, Noth & Schüwer
3. Cromwell & Peprah
4. Elyasiani & Jia
5. Inanoglu, Lynch & Modig
6. Dodd-Frank
7. Volcker Rule
8. Basel III
9. Lockwood
10. Mariana & Raz
11. Berger, Imbierowicz & Rauch
12. Bellardini, Murro & Previtali

ساختار مالکیت، می‌تواند به بروز الگوهای متنوعی از ریسک‌پذیری در بانک‌ها منجر شود، این پرسش اساسی مطرح است که آیا در مواجهه با شرایط محیطی و ریسک‌های سیستمی نیز عملکرد متفاوتی از خود نشان می‌دهند؛ موضوعی که کمتر در پژوهش‌ها بررسی شده است (وو، ژو و وانگ^۱، ۲۰۲۴). ساختار مالکیت بانک‌ها، بیانگر نحوه توزیع سهام و قدرت رأی است و می‌تواند بر کیفیت نظارت و رفتار سرمایه‌گذاری اثرگذار باشد. مهم‌ترین ابعاد ساختار مالکیت در این زمینه شامل مالکیت دولتی، مدیریتی، نهادی و تمرکز مالکیت است (کریمی، ۲۰۲۴).

بانک‌های دولتی و خصوصی، به دلیل تفاوت در اهداف و محدودیت‌ها، رفتار سرمایه‌گذاری متمایزی دارند. بانک‌های دولتی، اغلب در معرض مداخله بیشتر دولت هستند، با اهداف عملیاتی که فراتر از منافع اقتصادی است و شامل حفظ ثبات اجتماعی و جبران شکست‌های بازار به‌عنوان بخشی از مسئولیت‌های اجتماعی آن‌ها می‌شود. در مقابل، شرکت‌های خصوصی با محدودیت‌های تأمین مالی بیشتری روبه‌رو هستند و رفتار سرمایه‌گذاری آن‌ها ممکن است بیشتر با هدف کاهش فشار تأمین مالی، افزایش نقدینگی یا حتی دنبال کردن سود سرمایه باشد. این تفاوت در انگیزه ممکن است باعث شود که بانک‌های خصوصی بیشتر مستعد عبور از خطوط نظارتی شوند (گوا، ژنگ، دوو و تیان^۲، ۲۰۲۵). از منظر سازوکارهای حاکمیت داخلی، بانک‌های دولتی و خصوصی نیز در قابلیت‌های مدیریت ریسک متفاوت هستند. شرکت‌های دولتی معمولاً سازوکارهای حاکمیت داخلی جامع‌تری دارند که می‌توانند ریسک‌ها را در فرایند سرمایه‌گذاری بهتر نظارت و مدیریت کنند. با این حال، بانک‌های خصوصی، به دلیل مقیاس کوچک‌تر و مدیریت ضعیف‌تر، ممکن است در فرایند سرمایه‌گذاری بیشتر در معرض تخلف باشند (الیاسیانی و جیا، ۲۰۲۵). همچنین مالکیت دولتی به دلیل دخالت‌های سیاسی، انگیزه‌های مدیریتی ضعیف‌تر و تلاش‌های ضعیف نظارتی دولت، ناکارآمد خواهد بود. مداخله سیاسی با اهداف بانک برای به حداکثر رساندن سود در تضاد است و در نتیجه عملکرد مالی ضعیف بانک‌ها را به دنبال دارد (ما، لیو، لیو و هی^۳، ۲۰۲۵). مالکیت دولت می‌تواند با کاهش اثربخشی نظارت مدیریتی، از جمله سازوکارهای افشا، به تشدید مشکلات نمایندگی منجر شود و تأثیر مخربی بر عملکرد بانک داشته باشد (آدو و رونی^۴، ۲۰۲۴). بر مبنای نظریه‌های دست‌گرفتن^۵ و دست‌یاری^۶ مالکیت دولتی می‌تواند هم پیامدهای منفی (به دلیل سیاسی‌کاری و ناکارآمدی) و هم مزایای بالقوه (به دلیل حمایت دولت در شرایط بحران) داشته باشد (آچسانتا، لپتیت و ترازی^۷، ۲۰۲۲).

مالکیت مدیریتی یکی از تکنیک‌هایی است که برای کاهش مشکلات نمایندگی و افزایش ارزش شرکت استفاده می‌شود و به‌طور مؤثر تمایلات فرصت‌طلبانه مدیران را کاهش می‌دهد (کریمی، ۲۰۲۴). مالکیت مدیریتی منافع مدیران را با سهام‌داران هم‌سو می‌کند؛ اما در عین حال انگیزه پذیرش ریسک را افزایش می‌دهد؛ زیرا در شرایط مسئولیت محدود، سهام مشابه اختیار خرید عمل کرده و سود ناشی از ریسک متوجه سهام‌داران است، درحالی‌که زیان‌ها عمدتاً بر

1. Wu, Zhou & Wang

2. Guo, Zheng, Du & Tian

3. Ma, Liu, Liu & He

4. Adu & Roni

5. Grabbing Hand Theory

6. Helping Hand Theory

7. Achsanta, Lepetit & Tarazi

دوش بستانکاران قرار می‌گیرد (وستمن^۱، ۲۰۱۴). همچنین با گره‌زدن پاداش به عملکرد بانک از طریق مالکیت سهام، مدیریت تمایل بیشتری به اتخاذ تصمیم‌های افزایش ارزش دارد. برای مثال، می‌توان انتظار داشت که بانک‌هایی که مدیریت در آن‌ها سهم بالایی دارد، در تصمیم‌گیری‌های خود، به‌ویژه در مواقع بحران کارآمدتر باشند تا اطمینان حاصل شود که از کاهش چشمگیر ارزش بازار بانک جلوگیری می‌شود (امنجینی و همکاران، ۲۰۲۵).

مالکیت نهادی ابزار دیگری است که برای کاهش تأثیر مشکلات نمایندگی استفاده می‌شود (کریمی، ۲۰۲۴). سرمایه‌گذاران نهادی می‌توانند از طریق ظرفیت نظارت خارجی برتر خود، در حاکمیت بانک‌ها نقشی حیاتی ایفا کنند (آدو و رونی، ۲۰۲۴). آن‌ها در اطمینان از پایبندی به الزامات قانونی و نظارتی نقش اساسی دارند و در جلوگیری از سرمایه‌گذاری بیش‌ازحد بانک‌ها و نادیده گرفتن توسعه کسب‌وکار اصلی خود، عاملی حیاتی هستند (لین، دنگ و وانگ^۲، ۲۰۲۵). آن‌ها حتی می‌توانند با کنترل مستقیم سیاست‌های سرمایه‌گذاری شرکت‌های سرمایه‌پذیر، با کاهش محدودیت‌ها و معرفی استراتژی‌های برتر، سطح سرمایه‌گذاری را ارتقا دهند (آرمیتاژ، گالاگر و ژو^۳، ۲۰۲۵). سازوکارهایی که توسط آن‌ها، سهام‌داران نهادی خطر جریمه‌های تخلف‌ها را کاهش می‌دهند، عمدتاً در چندین جنبه منعکس می‌شود:

نخست، اثر نظارت^۴، که در آن سرمایه‌گذاران نهادی هم‌انگیزه و هم‌توانایی نظارت دقیق بر عملیات شرکت و شرایط مالی را دارند و به‌سرعت رفتارهایی را که ممکن است به منافع سهام‌داران آسیب برساند، شناسایی و اصلاح کنند. دوم، اثر محدودکننده^۵، که به موجب آن افزایش نسبت سهام‌داری، صدای سرمایه‌گذاران نهادی را در جلسات سهام‌داران افزایش می‌دهد و به‌طور مؤثر مدیریت شرکت را محدود می‌کند و رفتارهای فرصت‌طلبانه را کاهش می‌دهد. سوم، اثر علامت‌دهی^۶، که در آن سهام سرمایه‌گذاران نهادی، اغلب به‌عنوان یک سیگنال بازار از وضعیت خوب شرکت در نظر گرفته می‌شود و به افزایش شهرت شرکت کمک می‌کند و در نتیجه، خطر تخلف‌های ناشی از عدم تقارن اطلاعات را کاهش می‌دهد (گوا و همکاران، ۲۰۲۵).

ادبیات نظری، اثر تمرکز مالکیت بر عملکرد و ریسک‌پذیری بانک‌ها را دوگانه و وابسته به بستر نهادی پیش‌بینی می‌کند. از یک سو، برخی مطالعات نشان می‌دهند که تمرکز مالکیت می‌تواند با کاهش مشکل سواری مجانی^۷، انگیزه نظارت فعال‌تر بر مدیریت را تقویت کند و از این طریق عملکرد شرکت را بهبود بخشد (لیو، براهما و بواتنگ^۸، ۲۰۲۰). از سوی دیگر، شواهد نظری و تجربی شایان توجهی وجود دارد که نشان می‌دهد تمرکز بیش‌ازحد مالکیت می‌تواند پیامدهای منفی زیادی به همراه داشته باشد. کنترل گسترده اعمال‌شده توسط سهام‌داران عمده، ممکن است جلسات سهام‌داران را به فرایندی یک‌طرفه تبدیل کند، نقش نظارتی مدیران مستقل را تضعیف کند و تصمیم‌های شرکتی را به نفع گروهی خاص و به زیان سایر ذی‌نفعان سوق دهد. در چنین شرایطی، حقوق سرمایه‌گذاران خرد در معرض تهدید

1. Westman
2. Lin, Deng & Wang
3. Armitage, Gallagher & Xu
4. The Monitoring Effect
5. The Constraining Effect
6. The Signaling Effect
7. The Free-Rider Problem
8. Liu, Brahma & Boateng

قرار می‌گیرد. علاوه‌براین، تمرکز بالای مالکیت، می‌تواند بستر بروز رفتارهای فرصت‌طلبانه، ازجمله انحراف منابع، وام‌دهی به اشخاص وابسته و افزایش احتمال تجدید ارائه صورت‌های مالی را فراهم سازد (فان، تانگ، هوانگ و یانگ^۱، ۲۰۲۵). همچنین بر اساس نظریه نمایندگی، تمرکز مالکیت در نبود سازوکارهای کنترلی مؤثر، ممکن است به‌راحتی، به انحراف منابع شرکت و افزایش فعالیت‌های وام‌دهی به خودی‌ها منجر شود (لیو و همکاران، ۲۰۲۰). بر مبنای مبانی نظری مطرح‌شده، فرضیه اول به شرح زیر تدوین شد:

فرضیه اول: ساختار مالکیت بر بنگاهداری بانک‌ها تأثیر معناداری دارد.

پس از بحران مالی ۲۰۰۸، اصلاحات نظارتی بازل، هیئت‌مدیره بانک‌ها را تحت فشار قرار داد تا در نظارت بر مدیریت ریسک مشارکت کنند و هیئت‌مدیره، معمولاً این نقش را از طریق کمیته حسابرسی ایفا می‌کند (نگوین^۲، ۲۰۲۲). نظارت بر ریسک‌ها، کنترل یا به حداقل رساندن اتلاف منابع و تضمین پایبندی به الزامات قانونی و نظارتی، به تصمیم‌های کمیته حسابرسی وابسته‌اند (حزا، عبدالله و سدا^۳، ۲۰۲۴). استقلال اعضای کمیته حسابرسی، یکی از ارکان اصلی آن تلقی می‌شود. بر اساس تئوری نمایندگی، حضور مدیران مستقل در کمیته حسابرسی، فرصت‌های مدیریت برای پنهان کردن اطلاعات به نفع خود را کاهش می‌دهد. بنابراین استقلال کمیته حسابرسی، بر اثربخشی عملکرد این کمیته تأثیر می‌گذارد (یسرا و طاهری^۴، ۲۰۲۲). همچنین کیفیت اطلاعات ارائه شده توسط یک کمیته حسابرسی مستقل، منعکس‌کننده رابطه پاسخ‌گویی بین اعضای کمیته و سایر ذی‌نفعان مربوطه در محیط سازمان است (آشیرو، آدگبیت، فرکنال هیوز و دائودو^۵، ۲۰۲۴). از منظر تئوری نمایندگی، استقرار یک کمیته حسابرسی مستقل با وظیفه نظارت بر عملکرد مدیریت، می‌تواند به کاهش تضاد منافع بین سهام‌داران و مدیران و در نتیجه، کاهش رفتارهای نامطلوب منجر شود (اسلام و هاشم^۶، ۲۰۲۳). استقلال کمیته حسابرسی، به‌عنوان یکی از جنبه‌های اصلی حاکمیت شرکتی، می‌تواند با افزایش پاسخ‌گویی و شفافیت، از رفتارهای فرصت‌طلبانه جلوگیری و اثرهای نامطلوب ساختار مالکیت بر عملکرد بانک‌ها را محدود کند (حزا و همکاران، ۲۰۲۴)؛ از این رو کارایی کمیته حسابرسی، به تعامل آن با لایه‌های مختلف حاکمیتی شرکت، مثل حساب‌رسان مستقل و مالکان وابسته است و می‌تواند در کنترل ریسک بانک‌هایی که ساختار حاکمیتی ضعیفی دارند، نقشی حیاتی داشته باشد (دینگ و وی^۶، ۲۰۲۳). بر این اساس، دومین فرضیه پژوهش به شرح زیر بیان مطرح می‌شود:

فرضیه دوم: استقلال کمیته حسابرسی تأثیر ساختار مالکیت بر بنگاهداری بانک‌ها را تعدیل می‌کند.

پیشینه تجربی پژوهش

پژوهش‌های محدودی در زمینه بنگاهداری بانک‌ها انجام شده است. بخشی از پژوهش‌ها به بررسی پیامدهای بنگاهداری

1. Fan, Tang, Huang & Yang
2. Nguyen
3. Hazza, Abdullah & Sadaa
4. Yosra & Tahari
5. Ashiru, Adegbite, Frecknall-Hughes & Daodu
6. Ding & Wei

پرداخته‌اند؛ برای نمونه، مظاهری، شیرکوند و جمالی (۱۳۹۷) نشان دادند که وضع محدودیت‌های سخت‌گیرانه بر فعالیت بانک‌ها تأثیر معناداری بر نسبت کفایت سرمایه آن‌ها ندارد؛ کمانی^۱ (۲۰۱۹) به این نتیجه رسید که فعالیت‌های غیرتجاری بانک‌ها، ریسک سیستماتیک آن‌ها را افزایش می‌دهد و یافته‌های پورصفر و معصومی‌نیا (۱۴۰۱) حاکی از آن است که بنگاهداری بانک‌ها باعث کاهش رشد اقتصادی کشور می‌شود. در مقابل، گروهی دیگر از مطالعات به عوامل گرایش بانک‌ها به بنگاهداری پرداخته‌اند. برای مثال، کریمی وردجانی و همکاران (۱۳۹۹) نشان دادند که ضعف نظارت بانک مرکزی، سهولت ورود به بازار سرمایه و بی‌ثباتی متغیرهای کلان اقتصادی، از عوامل اصلی گسترش بنگاهداری در ایران هستند. در ویتنام نیز دانگ و هوین^۲ (۲۰۲۲) تغییرات سیاست پولی مبتنی بر نرخ بهره را از عوامل مهم افزایش فعالیت‌های بنگاهداری بانک‌ها دانستند. از آنجا که پیشینه مستقیمی برای این مطالعه مشاهده نشد، در ادامه به بررسی پژوهش‌های مرتبط با نقش حاکمیت شرکتی در بانک‌ها پرداخته می‌شود.

آچسانتا و همکاران (۲۰۲۲) در اندونزی نشان دادند که بانک‌های دولتی بیش از بانک‌های خصوصی منافع سهام‌داران اقلیت را مدنظر قرار می‌دهند. دلیل آن رایج بودن کمک‌های مالی دولتی برای بانک‌های دولتی است. هریسکیویچ، کریگ، تسوموکوس و زادوروزنا^۳ (۲۰۲۵) نیز نقش حمایتی مالکیت دولتی در خروج از بحران را در بانک‌های اروپایی و آمریکایی تأیید کردند. در ایران، روشن و همکاران (۱۴۰۴) و همچنین اسعدی و ابری (۱۳۹۹) به این نتیجه رسیدند که مالکیت دولتی موجب تضعیف عملکرد مالی، افزایش ریسک اعتباری و کاهش کفایت سرمایه می‌شود. یافته‌های مربوط به مالکیت مدیریتی نیز متنوع است. وستمن (۲۰۱۴) با بررسی بانک‌های اروپایی دریافت که مالکیت مدیریتی در بانک‌های کوچک و غیرسنتی ریسک را کاهش می‌دهد؛ اما در بانک‌های بزرگ و سنتی، به ریسک‌پذیری بیشتر منجر می‌شود. امنجینی و همکاران (۲۰۲۵) نیز در نیجریه تأیید کردند که مالکیت مدیریتی می‌تواند عملکرد بانک‌ها را بهبود بخشد. در زمینه مالکیت نهادی، الیاسیانی و جیا (۲۰۲۵) نشان دادند که وجود سهام‌داران نهادی قدرتمند در بانک‌های آفریقایی، به کاهش خطر ورشکستگی می‌انجامد. یافته مشابهی نیز توسط وو و جوزف^۴ (۲۰۲۴) در بانک‌های منطقه یورو گزارش شد که نقش مثبت سهام‌داران نهادی در کاهش ریسک اعتباری و حمایت از اجرای قوانین بانکی را نشان داد. با این حال، در ایران اسعدی و ابری (۱۳۹۹) رابطه‌ای منفی میان مالکیت نهادی و عملکرد بانک‌ها گزارش کردند. تمرکز مالکیت نیز در مطالعات مختلف نتایج متفاوتی داشته است. لیو و همکاران (۲۰۲۰) و مو^۵ (۲۰۲۵) در چین دریافتند که تمرکز مالکیت با ریسک‌پذیری بیشتر و عملکرد ضعیف‌تر بانک‌ها همراه است. در مقابل، روشن و همکاران (۱۴۰۴) نتیجه گرفتند که افزایش تمرکز مالکیت به کاهش ریسک اعتباری و کفایت سرمایه منجر می‌شود، هرچند یافته‌های اسعدی و ابری (۱۳۹۹) نشان داد که تمرکز مالکیت می‌تواند عملکرد مالی بانک‌ها را تضعیف کند. در خصوص نقش کمیته حسابرسی، نگوین (۲۰۲۲) در ویتنام نشان داد کمیته‌های کوچک‌تر و متشکل از اعضای مستقل‌تر به ثبات بیشتر بانک می‌انجامد. حزا و همکاران (۲۰۲۴) نیز در بانک‌های خصوصی عراق اثبات کردند که کمیته

1. Kamani

2. Dang & Huynh

3. Hryckiewicz, Kryg, Tsomocos & Zadorozhna

4. Vo & Joseph

5. Mu

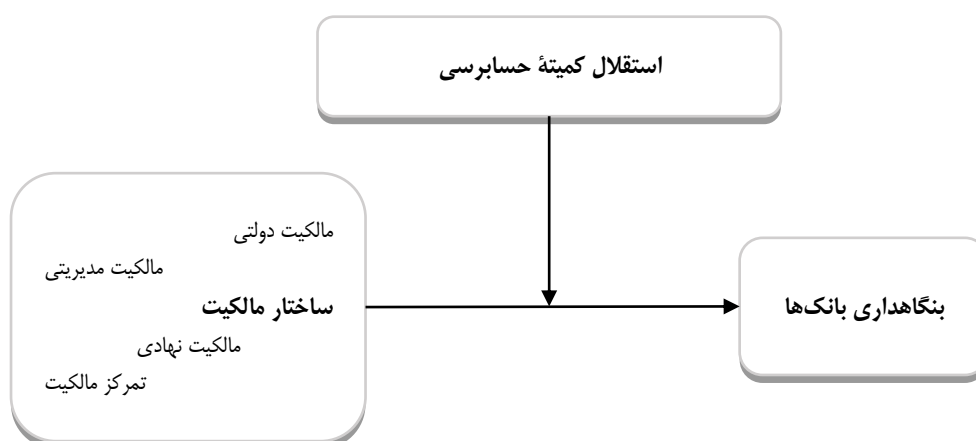
حسابرسی پل ارتباطی مؤثر میان مدیریت و عملکرد مالی است. در ایران، منصوری‌نیا و عظیمی (۱۴۰۱) دریافتند که استقلال و تخصص اعضای کمیته حسابرسی، بر مطالبات معوق اثر منفی دارد و در نهایت به افزایش ثبات بانک‌ها منجر می‌شود.

مرور پیشینه نشان می‌دهد که مطالعات متعددی نقش ساختار مالکیت و سازوکارهای حاکمیت شرکتی را بر عملکرد و ریسک بانک‌ها بررسی کرده‌اند؛ اما هیچ پژوهشی به‌طور مستقیم اثر ساختار مالکیت بر بنگاهداری بانک‌ها را تحلیل نکرده است. نوآوری علمی تحقیق حاضر در سه جنبه برجسته است:

- اول، تمرکز بر بنگاهداری به‌عنوان رفتار انحرافی و مخاطره‌آمیز بانک‌ها که در مطالعات پیشین کمتر بررسی شده است؛
 - دوم، استفاده از داده‌های پانلی بانک‌های ایرانی طی یک دوره ده ساله برای شناسایی اثر واقعی ساختار مالکیت بر انگیزه‌های بنگاهداری که امکان توسعه نظریه‌های حاکمیت شرکتی در اقتصادهای درحال توسعه را فراهم می‌کند؛
 - سوم، ارائه چارچوب عملیاتی و سیاست‌محور که هم به توسعه دانش نظری درباره رابطه مالکیت و رفتارهای ریسک‌زا کمک می‌کند و هم راهنمایی عملی برای سیاست‌گذاران و مدیران بانکی در طراحی سازوکارهای کنترل و انگیزشی ارائه می‌دهد.
- بنابراین، پژوهش حاضر علاوه بر پرکردن شکاف مطالعاتی، در توسعه نظریه و کاربرد دانش حاکمیت شرکتی در بستر ایران سهم چشمگیری دارد.

مدل مفهومی

در راستای فرضیه‌های مطرح‌شده، مدل مفهومی پژوهش در شکل ۱ ارائه می‌شود:



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از بُعد هدف کاربردی و از نظر ماهیت و روش گردآوری اطلاعات از نوع پژوهش‌های توصیفی و هدف اصلی آن تعیین وجود، میزان و نوع تأثیر متغیرهای مورد آزمون است. با توجه به اینکه این تحقیق از اطلاعات گذشته برای آزمون فرضیه‌ها استفاده می‌کند، از نوع تحقیقات پس‌رویدادی محسوب می‌شود و از لحاظ تئوریک، از نوع تحقیقات اثباتی است. استدلال این پژوهش نیز از نوع قیاسی - استقرایی است. جامعه آماری این پژوهش، بانک‌های فعال در ایران است که در نهایت تعداد ۲۰ بانک، طی دوره ۱۰ ساله، از ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۲، به‌منظور آزمون فرضیه‌ها انتخاب شد. داده‌ها با استفاده از نسخه ۱۰ نرم‌افزار ایویوز تجزیه و تحلیل شد.

مدل و متغیرهای پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های اول و دوم به‌ترتیب از مدل‌های رگرسیونی ۱ و ۲ استفاده شده است.

$$\text{Bank_Entre}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{Ownership structure}_{it} + \beta_2 \text{Size}_{it} + \beta_3 \text{Leverage}_{it} + \beta_4 \text{Cash Flow}_{it} + \beta_5 \text{ROA}_{it} + \beta_6 \text{Growth}_{it} + \beta_7 \text{Age}_{it} + \beta_8 \text{Independence Board}_{it} + \varepsilon_{it} \quad (\text{رابطه ۱})$$

$$\text{Bank_Entre}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{Ownership structure}_{it} + \beta_2 \text{Audit Committee}_{it} + \beta_3 (\text{Ownership structure} \times \text{Audit Committee})_{it} + \beta_4 \text{Size}_{it} + \beta_5 \text{Leverage}_{it} + \beta_6 \text{Cash Flow}_{it} + \beta_7 \text{ROA}_{it} + \beta_8 \text{Growth}_{it} + \beta_9 \text{Age}_{it} + \beta_{10} \text{Independence Board}_{it} + \varepsilon_{it} \quad (\text{رابطه ۲})$$

در مدل‌های بالا، Bank_Entre معرف بنگاهداری بانک، Ownership structure ساختار مالکیت، Audit Committee استقلال کمیته حسابرسی، Size اندازه شرکت، Leverage اهرم مالی، Cash Flow جریان نقد عملیاتی، ROA بازده دارایی‌ها، Growth نرخ رشد درآمد بانک، Age سن بانک و Independence Board استقلال هیئت‌مدیره است.

متغیر وابسته

بنگاهداری بانک (Bank_Entre): بر مبنای مطالعات مظاهری، شیرکوند و جمالی (۱۳۹۷)، پورصفر و معصومی‌نیا (۱۴۰۱) و کائو و ژانگ^۱ (۲۰۲۴) بنگاهداری بانک از جمع مطالبات از شرکت‌های فرعی و وابسته، سرمایه‌گذاری در شرکت‌های فرعی و وابسته، وثایق تملیکی بانک، سرمایه‌گذاری در املاک و سایر دریافتی‌ها بر جمع دارایی‌های بانک محاسبه شده است.

متغیر مستقل

ساختار مالکیت (Ownership structure): یکی از ارکان اصلی حاکمیت شرکتی، ساختار مالکیت است. در این

مطالعه با اقتباس از مطالعات نمازی و کرمانی (۱۳۸۷) و خدادادی، قربانی و خوانساری (۱۳۹۳) از شاخص‌های زیر به‌عنوان معرف ساختار مالکیت استفاده شده است:

مالکیت دولتی (SO): از تقسیم سهام در اختیار دولت یا سازمان‌های وابسته به دولت بر کل سهام منتشرشده محاسبه شده است.

مالکیت نهادی (IO): از تقسیم مجموع سهام در اختیار کارگزاران، بازارگردانان، مشاوران سرمایه‌گذاری، مؤسسه‌های رتبه‌بندی، صندوق‌های سرمایه‌گذاری، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، شرکت‌های پردازش اطلاعات مالی، شرکت‌های تأمین سرمایه، صندوق‌های بازنشستگی و بانک‌ها بر کل سهام منتشرشده محاسبه شده است.

مالکیت مدیریتی (MO): از تقسیم سهام در اختیار اعضای هیئت‌مدیره بر کل سهام منتشرشده محاسبه شده است.

تمرکز مالکیت (CO): از درصد مالکیت بزرگ‌ترین سهام‌دار به‌عنوان تمرکز مالکیت استفاده شده است.

متغیر تعاملی

استقلال کمیته حسابرسی (ACI): طبق پژوهش عباسی، تامرادی و رستمی‌نیا (۱۴۰۱)، استقلال کمیته حسابرسی بر مبنای نسبت تعداد اعضای غیرموظف به کل اعضای کمیته حسابرسی محاسبه شده است.

متغیر کنترلی

با اقتباس از پژوهش کائو و ژانگ (۲۰۲۴) از متغیرهای زیر به‌عنوان متغیرهای کنترلی استفاده می‌شود:

استقلال هیئت‌مدیره (IB): هیئت‌مدیره مستقل می‌تواند نظارت بهتری بر تصمیمات مدیریتی داشته باشد و از ورود به فعالیت‌های پرریسک بنگاه‌داری جلوگیری کند. بنابراین، انتظار می‌رود با افزایش استقلال هیئت‌مدیره، سطح بنگاه‌داری کاهش یابد. این متغیر از تقسیم تعداد اعضای مستقل هیئت‌مدیره بر کل تعداد اعضا محاسبه شده است.

اهرم مالی (Lev): افزایش اهرم مالی باعث افزایش ریسک مالی بانک می‌شود. بانک‌ها ممکن است برای مدیریت این ریسک از فعالیت‌های بنگاه‌داری و سرمایه‌گذاری‌های پیچیده استفاده کنند، بنابراین سطح بنگاه‌داری با افزایش اهرم مالی احتمالاً افزایش می‌یابد. این متغیر از تقسیم جمع بدهی‌ها بر جمع دارایی‌ها محاسبه شده است.

اندازه بانک (Size): بانک‌های بزرگ‌تر به‌دلیل دسترسی بیشتر به منابع مالی و تنوع درآمدی، کمتر نیازمند ورود به فعالیت‌های بنگاه‌داری پرریسک هستند. بنابراین، انتظار می‌رود بنگاه‌داری در بانک‌های بزرگ کاهش یابد. این متغیر از طریق لگاریتم طبیعی ارزش دفتری کل دارایی‌ها در پایان دوره محاسبه شده است.

جریان نقدی عملیاتی (CF): بانک‌هایی با جریان نقدی عملیاتی بالاتر منابع کافی برای سرمایه‌گذاری داخلی دارند و کمتر به فعالیت‌های بنگاه‌داری روی می‌آورند. این متغیر از تقسیم جریان‌های نقدی ناشی از فعالیت‌های عملیاتی بر جمع دارایی‌ها محاسبه شده است.

بازده دارایی (ROA): بانک‌هایی با بازده دارایی بالاتری، عملکرد خوبی در مدیریت دارایی‌های خود دارند و لذا انگیزه کمتری برای ورود به فعالیت‌های بنگاه‌داری خواهند داشت. این متغیر از تقسیم سود خالص بر جمع دارایی‌ها محاسبه شده است.

رشد درآمد (Growth): رشد درآمد بالا ممکن است بانک را تشویق کند تا فرصت‌های سرمایه‌گذاری خارجی و بنگاهداری را دنبال کند، بنابراین انتظار می‌رود رشد درآمد با بنگاهداری رابطه مثبت داشته باشد. این متغیر بر مبنای نرخ رشد درآمد عملیاتی محاسبه شده است.

سن بانک (Age): بانک‌های قدیمی‌تر معمولاً تجربه و شهرت بیشتری دارند و احتمالاً به‌جای فعالیت‌های پرریسک بنگاهداری، بر فعالیت‌های اصلی بانکی تمرکز می‌کنند. بنابراین، با افزایش سن بانک، بنگاهداری ممکن است کاهش یابد. این متغیر از طریق تعداد سال‌های عمر شرکت محاسبه شده است.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

جدول ۱ آمار توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد که بیان‌کننده پارامترهای توصیفی مجزای هر متغیر است. آماره‌های مذکور شمایی کلی از وضعیت توزیع داده‌های پژوهش را ارائه می‌دهند.

جدول ۱. آمار توصیفی داده‌های پژوهش

متغیر	نماد	میانگین	میانه	کمینه	بیشینه	انحراف معیار
بنگاهداری بانک	Bank_Entre	۰/۲۰۰	۰/۲۴۱	۰/۰۱۴	۰/۸۷۱	۰/۱۶۰
مالکیت دولتی	SO	۰/۰۹۷	۰/۱۰۱	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۲۳۹
مالکیت نهادی	IO	۰/۵۷۱	۰/۵۶۵	۰/۰۰۰	۰/۹۹۹	۰/۲۷۵
مالکیت مدیریتی	MO	۰/۰۱۵	۰/۰۱۳	۰/۰۰۰	۰/۱۸۵	۰/۰۳۳
تمرکز مالکیت	OC	۰/۲۰۲	۰/۲۶۱	۰/۰۲۴	۱/۰۰۰	۰/۲۳۹
استقلال کمیته حسابرسی	ACI	۰/۳۵۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۲۸۹
استقلال هیئت‌مدیره	IB	۰/۳۹۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۲۷۹
اهرم مالی	Lev	۱/۰۳۰	۱/۲۱۶	۰/۰۷۵	۴/۵۹۱	۰/۵۴۱
اندازه بانک	Size	۸/۷۴۹	۸/۹۱۲	۷/۰۵۱	۱۰/۲۲۳	۰/۵۸۹
جریان نقدی عملیاتی	CF	۰/۰۰۵	-۰/۰۹۸	-۰/۳۸۲	۰/۲۶۶	۰/۰۶۳
بازده دارایی	ROA	-۰/۰۲۷	-۰/۰۵۲	-۰/۵۳۸	۰/۱۲۰	۰/۱۰۵
رشد بانک	Growth	۰/۷۳۸	۰/۰۸۵	-۱۸/۸۴۱	۱۶/۸۴۵	۲/۷۸۳
سن بانک	Age	۲۰/۷۰۰	۳۲/۰۰۰	۲/۰۰۰	۷۱	۱۷/۳۱۴

نتایج آمار توصیفی نشان می‌دهد که سطح بنگاهداری بانک‌ها در نمونه مورد بررسی به‌طور متوسط حدود ۲۰ درصد از کل دارایی‌ها را به خود اختصاص داده و این میزان با دامنه‌ای وسیع از حداقل ۱ درصد تا حداکثر ۸۷ درصد، بیانگر ناهمگونی معنادار در گرایش بانک‌ها به فعالیت‌های بنگاهداری است. در میان متغیرهای مستقل، مالکیت نهادی با میانگین ۵۷ درصد در ساختار مالکیت بانک‌ها بیشترین سهم را دارد و نقش پُررنگی در جهت‌دهی تصمیم‌های سرمایه‌گذاری و بنگاهداری ایفا می‌کند. مالکیت دولتی به‌طور متوسط حدود ۱۰ درصد گزارش شده است، هرچند در برخی بانک‌ها دولت مالک مطلق بوده و در برخی دیگر هیچ سهمی نداشته است؛ این ناهمگونی بیانگر تفاوت گسترده در میزان

مداخله و نفوذ دولت در بانک‌ها است. مالکیت مدیریتی سهم بسیار ناچیزی دارد (میانگین ۱/۵ درصد) که نشان می‌دهد مدیران بانک‌ها، در عمل قدرت مالکانه محدودی دارند و احتمالاً برای هم‌سویی با منافع سهام‌داران انگیزه کافی ندارند. همچنین تمرکز مالکیت با میانگین ۲۰ درصد نشان می‌دهد که در بسیاری از بانک‌ها بزرگ‌ترین سهام‌دار توان اثرگذاری قابل‌توجهی بر تصمیم‌ها دارد؛ هرچند در مواردی، سهام‌داری به‌شدت پراکنده یا کاملاً متمرکز بوده است. شاخص‌های مالی (ROA منفی، CF نزدیک به صفر، اهرم مالی بالا) نشان می‌دهد که بانک‌ها در معرض ریسک بالای مالی و ناکارآمدی عملیاتی هستند. رشد درآمد بسیار نوسانی است که می‌تواند ناشی از فشارهای محیطی (تحریم، سیاست‌های کلان، بی‌ثباتی اقتصادی) باشد.

آزمون هم خطی متغیرهای مستقل

برای بررسی احتمال وجود هم‌خطی میان متغیرهای مستقل پژوهش، از آزمون هم‌بستگی پیرسون استفاده شد. جدول ۲ ضرایب هم‌بستگی میان متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج، هیچ ضریب هم‌بستگی بسیار بالایی که بتواند بر برآوردهای مدل رگرسیونی اثر منفی بگذارد مشاهده نشد؛ بنابراین، مشکل هم‌خطی میان متغیرهای مستقل در داده‌های پژوهش وجود ندارد.

جدول ۲. ماتریس ضرایب هم‌بستگی پیرسون متغیرهای مستقل

	متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱	SO	۱/۰۰											
۲	IO	-۰/۴۸	۱/۰۰										
۳	MO	-۰/۰۴	-۰/۱۸	۱/۰۰									
۴	OC	۰/۸۶	-۰/۲۵	-۰/۱۱	۱/۰۰								
۵	ACI	۰/۰۳	۰/۰۷	-۰/۰۳	۰/۰۶	۱/۰۰							
۶	IB	۰/۰۱	-۰/۰۷	۰/۰۸	۰/۰۱	۰/۱۴	۱/۰۰						
۷	Lev	۰/۰۶	-۰/۱۸	۰/۰۵	۰/۰۶	-۰/۱۱	-۰/۰۲	۱/۰۰					
۸	Size	۰/۱۰	-۰/۰۱	-۰/۰۹	۰/۱۲	-۰/۰۹	-۰/۰۹	۰/۱۱	۱/۰۰				
۹	CF	۰/۰۳	-۰/۰۲	-۰/۰۳	۰/۰۱	۰/۰۴	-۰/۰۱	-۰/۰۶	۰/۰۵	۱/۰۰			
۱۰	ROA	۰/۰۸	۰/۰۱	-۰/۰۶	۰/۰۸	-۰/۰۲	-۰/۰۲	-۰/۳۲	۰/۰۷	۰/۵۵	۱/۰۰		
۱۱	Growth	-۰/۰۲	۰/۰۸	-۰/۰۱	۰/۰۵	-۰/۰۳	-۰/۰۶	۰/۰۱	-۰/۰۷	۰/۰۱	-۰/۱۰	۱/۰۰	
۱۲	Age	-۰/۲۳	۰/۰۲	-۰/۰۲	-۰/۲۱	-۰/۰۹	۰/۰۱	-۰/۰۲	۰/۴۱	-۰/۰۹	-۰/۱۹	۰/۰۳	۱/۰۰

آزمون نرمال بودن خطای باقی‌مانده

یکی از پیش‌فرض‌های اصلی رگرسیون خطی، نرمال بودن توزیع خطاهای باقی‌مانده است؛ این فرض به‌ویژه برای اعتبار آزمون‌های آماری t و F اهمیت دارد. برای بررسی این موضوع، از آزمون جاک - برا استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳

ارائه شده است. با توجه به آنکه سطح احتمال کمتر از ۵ درصد است، خطاهای مدل نرمال نیستند؛ بنابراین در برازش نهایی مدل‌ها از روش برآورد حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) با خطاهای استاندارد مقاوم استفاده شد.

جدول ۳. نتایج آزمون نرمال بودن خطای مدل

مدل‌های پژوهش	آزمون	آماره	احتمال
مدل اول	جارك - برا	۱۵/۶۷	۰/۰۰۰
مدل دوم	جارك - برا	۱۸/۹۲	۰/۰۰۰

آزمون ناهمسانی واریانس

یکی دیگر از مفروضات رگرسیون خطی، این است که تمامی جمله‌های خطا واریانس برابر داشته باشند. جدول ۴ نتایج آزمون وایت را برای بررسی ناهمسانی واریانس نشان می‌دهد. از آنجایی که احتمال آزمون کمتر از ۵ درصد است، وجود ناهمسانی واریانس در مدل‌ها تأیید می‌شود. برای رفع این مشکل در برازش مدل‌ها، از استاندارد کردن انحراف معیار ضرایب به روش مقاوم در برابر ناهمسانی (استفاده از خطای استاندارد Robust) بهره گرفته شد تا نتایج آزمون‌های t و سطح معناداری معتبر باشند.

جدول ۴. نتایج آزمون ناهمسانی واریانس

مدل‌های پژوهش	آزمون	آماره	احتمال
مدل اول	وایت	۱۰۵/۳۷۰	۰/۰۰۰
مدل دوم	وایت	۱۰۲/۸۵۰	۰/۰۰۰

انتخاب نوع روش برآورد مدل

برای تعیین الگوی مناسب در داده‌های ترکیبی، ابتدا آزمون F لیمر انجام شد که با توجه به نتایج آن در جدول ۵، سطح معناداری کمتر از ۵ درصد است؛ بنابراین استفاده از مدل پانلی ضروری است. سپس با آزمون هاسمن بررسی شد که همبستگی میان خطا و متغیرهای توضیحی وجود دارد؛ از این رو، مدل اثرهای تصادفی تورش دارد و مدل پانلی با اثرهای ثابت مناسب‌ترین گزینه است.

جدول ۵. نتایج انتخاب نوع روش برآورد مدل پژوهش

مدل	نتایج آزمون F لیمر			نتایج آزمون هاسمن		
	آماره	مقدار	احتمال	نتیجه آزمون	آماره	مقدار
مدل فرضیه اول	F لیمر	۷/۴۵	۰/۰۰۰	Panel	X^2	۱۵/۸۲
مدل فرضیه دوم	F لیمر	۸/۸۰	۰/۰۰۰	Panel	X^2	۱۷/۸۳

نتایج برآورد مدل پژوهش

جدول ۶ نتایج برآورد رگرسیون مدل اول پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۶. نتایج آزمون مدل اول پژوهش

VIF	مدل اول پژوهش				
	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری	
۱/۸۹	-۰/۰۳۸	۰/۴۸۷	-۰/۰۸۴	۰/۹۴۰	مالکیت دولتی
۲/۴۵	-۰/۱۵۲	۰/۰۹۴	-۱/۶۲۲	۰/۱۰۷	مالکیت نهادی
۱/۳۴	-۰/۹۹۵*	۰/۵۲۷	-۱/۸۹۲	۰/۰۶۰	مالکیت مدیریتی
۱/۷۸	-۰/۲۸۰*	۰/۱۵۸	-۱/۷۷۳	۰/۰۷۹	تمرکز مالکیت
۱/۵۶	-۰/۰۵۲*	۰/۰۳۱	-۱/۶۹۷	۰/۰۸۴	استقلال هیئت‌مدیره
۲/۱۲	-۰/۰۸۶***	۰/۰۲۶	-۳/۲۸۱	۰/۰۰۱	اهرم مالی
۳/۵۶	-۰/۲۲۸***	۰/۰۶۴	-۳/۵۸۹	۰/۰۰۰	اندازه بانک
۱/۴۵	-۰/۰۶۵	۰/۰۷۹	-۰/۸۲۴	۰/۴۱۳	جریان نقدی عملیاتی
۱/۶۷	-۰/۴۲۷***	۰/۱۶۰	-۲/۶۷۸	۰/۰۰۸	بازده دارایی
۱/۲۳	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۷	-۰/۱۰۴	۰/۹۲۳	رشد بانک
۱/۸۹	۰/۰۲۵*	۰/۰۰۹	۲/۵۸۹	۰/۰۹۸	سن بانک
-	۲/۲۸۴***	۰/۵۸۴	۳/۹۱۴	۰/۰۰۰	عرض از مبدا
	۱۰/۱۷۰***		R ² تعدیل شده	۰/۳۹۷	آماره F
	۱/۹۶		تعداد مشاهدات	۲۰۰	آماره دوربین واتسون

توجه: $p < ۰/۱$, $p < ۰/۰۵$, $p < ۰/۰۱$ به ترتیب با *, **, و *** نشان داده شده‌اند.

نتایج مدل ۱ نشان می‌دهد که مالکیت مدیریتی، در سطح ۱۰ درصد بر بنگاهداری بانک‌ها اثر منفی و معنادار دارد ($\beta = -۰/۹۹۵$, $p < ۰/۱$). این نتیجه بیانگر وجود شواهدی ضعیف، اما درخور توجه است که افزایش سهم مدیران در مالکیت بانک می‌تواند از طریق هم‌سویی نسبی منافع مدیران و سهام‌داران، گرایش بانک‌ها به فعالیت‌های بنگاهداری را محدود سازد. همچنین، تمرکز مالکیت نیز اثر منفی و معناداری در سطح ۱۰ درصد بر بنگاهداری بانک‌ها نشان داد ($\beta = -۰/۲۸۰$, $p < ۰/۱$). این یافته حاکی از آن است که تمرکز بیشتر مالکیت در دست سهام‌داران عمده، هرچند به‌صورت محدود، می‌تواند با افزایش نظارت و کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه، احتمال ورود بانک‌ها به بنگاهداری را کاهش دهد. با این حال، از آنجا که این روابط تنها در سطح ۱۰ درصد معنادار بوده‌اند، نتایج مذکور باید با احتیاط تفسیر شوند. در میان متغیرهای کنترلی، استقلال هیئت‌مدیره ($\beta = -۰/۰۵۲$, $p < ۰/۱$)، اهرم مالی ($\beta = -۰/۰۸۶$, $p < ۰/۰۱$)، اندازه بانک ($\beta = -۰/۲۲۸$, $p < ۰/۰۱$) و بازده دارایی‌ها ($\beta = -۰/۴۲۷$, $p < ۰/۰۱$)، همگی بر بنگاهداری اثر منفی و معناداری دارند و نشان می‌دهند که بانک‌های بزرگ‌تر، سودآورتر، دارای بدهی بیشتر و با هیئت‌مدیره مستقل‌تر، کمتر به‌سمت بنگاهداری گرایش پیدا می‌کنند. در مقابل، عمر بانک تأثیر مثبت و معناداری دارد ($\beta = -۰/۰۲۵$, $p < ۰/۱$) که بیانگر تمایل بیشتر بانک‌های قدیمی‌تر به بنگاهداری است. سایر متغیرها شامل مالکیت دولتی، نهادی، جریان نقدی و

فرصت‌های رشد معنادار نشدند. بنابراین، فرضیهٔ اول از دیدگاه مالکیت مدیریتی و تمرکز مالکیت مورد حمایت تجربی قرار گرفت. جدول ۷ نتایج برآورد رگرسیون مدل دوم پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۷. نتایج آزمون مدل دوم پژوهش

VIF	مدل دوم پژوهش				
	سطح معناداری	آمارهٔ t	خطای استاندارد	ضریب	
۱/۸۹	۰/۸۴۱	-۰/۲۰۶	۰/۴۹۹	-۰/۱۰۲	مالکیت دولتی
۲/۴۵	۰/۱۱۳	-۱/۵۹۴	۰/۱۰۶	-۰/۱۶۸	مالکیت نهادی
۱/۳۴	۰/۰۶۵	-۱/۸۶۲	۰/۵۵۴	-۱/۰۳۰*	مالکیت مدیریتی
۱/۷۸	۰/۰۹۰	-۱/۷۱۸	۰/۱۸۵	-۰/۳۱۷*	تمرکز مالکیت
۱/۴۸	۰/۸۵۹	-۰/۱۸۵	۰/۰۹۹	-۰/۰۱۸	استقلال کمیتهٔ حسابرسی
-	۰/۸۹۰	۰/۱۴۴	۰/۵۱۸	۰/۰۷۵	مالکیت دولتی × استقلال کمیتهٔ حسابرسی
-	۰/۲۴۰	۱/۱۸۸	۰/۱۴۱	۰/۱۶۷	مالکیت نهادی × استقلال کمیتهٔ حسابرسی
-	۰/۳۳۴	۰/۹۷۷	۰/۹۶۳	۰/۹۳۶	مالکیت مدیریتی × استقلال کمیتهٔ حسابرسی
-	۰/۹۰۴	-۰/۱۲۲	۰/۱۱۹	-۰/۰۱۴	تمرکز مالکیت × استقلال کمیتهٔ حسابرسی
۱/۵۶	۰/۰۸۱	-۱/۷۱۴	۰/۰۳۲	-۰/۰۵۴*	استقلال هیئت‌مدیره
۲/۱۲	۰/۰۰۱	-۳/۳۱۵	۰/۰۲۶	-۰/۰۸۷***	اهرم مالی
۳/۵۶	۰/۰۰۰	-۳/۵۷۱	۰/۰۶۴	-۰/۲۲۸***	اندازه بانک
۱/۴۵	۰/۴۷۲	-۰/۷۲۹	۰/۱۱۵	-۰/۰۸۳	جریان نقدی عملیاتی
۱/۶۷	۰/۰۰۶	-۲/۷۵۶	۰/۱۶۰	-۰/۴۴۰***	بازده دارایی
۱/۲۳	۰/۸۶۶	-۰/۱۷۶	۰/۰۰۷	-۰/۰۰۰	رشد بانک
۱/۸۹	۰/۰۰۶	۲/۷۶۵	۰/۰۱۰	۰/۰۲۷***	سن بانک
-	۰/۰۰۰	۳/۶۶۴	۰/۵۸۴	۲/۱۳۶***	عرض از مبدأ
		۰/۴۰۲	R ^۲ تعدیل شده	۱۴/۱۷۰***	آمارهٔ F
		۲۰۰	تعداد مشاهدات	۱/۹۴	آمارهٔ دوربین واتسون

توجه: ۰/۱ < p < ۰/۰۵، ۰/۰۵ < p < ۰/۰۱ به ترتیب با *، ** و *** نشان داده شده‌اند.

در مدل ۲، علاوه بر متغیرهای مستقل، استقلال کمیتهٔ حسابرسی (ACI) و تعامل آن با سایر متغیرهای مالکیت وارد شد. نتایج نشان داد که اثر مستقیم ACI منفی، اما غیرمعنادار است ($\beta = -۰/۰۱۸$ ، $p > ۰/۱$) و هیچ‌یک از اثرهای تعاملی آن با IO، MO و OC نیز معنادار نشدند. این یافته بیانگر آن است که استقلال کمیتهٔ حسابرسی، چه به صورت مستقیم و چه در قالب نقش تعدیلگر، تأثیر معناداری بر کاهش یا افزایش بنگاهداری بانک‌ها ندارد. نتایج متغیرهای کنترلی نیز مشابه مدل ۱ بود. بنابراین فرضیهٔ دوم پژوهش، از لحاظ تجربی تأیید نشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

فرضیه‌های این پژوهش تصویری دوگانه از واقعیت نظام بانکی ایران ترسیم کردند؛ جایی که تأثیر مثبت برخی سازوکارها

بر کاهش بنگاه‌داری تأیید شد، درحالی‌که سایر فرضیه‌ها در سایه ضعف نهادی و مداخله‌های سیاسی رد شدند. یافته‌ها آشکار ساخت که تنها مالکیت مدیریتی و تمرکز مالکیت توانسته‌اند به‌طور معنادار و ضعیف سطح بنگاه‌داری را مهار کنند؛ به‌گونه‌ای که افزایش سهم مدیران در مالکیت یا تمرکز سهام در دست سهام‌داران عمده، انگیزه ورود بانک‌ها به فعالیت‌های سوداگرانه را کاهش داده است. این نتیجه را می‌توان با شرایط نهادی ایران توضیح داد؛ جایی که ضعف نظارت بیرونی، نقش سهام‌داران عمده را در کنترل رفتار مدیران پررنگ‌تر کرده است. این موضوع از لحاظ مفهومی با یافته‌های روشن، خداحمی و صراف (۱۴۰۴) و امنجینی و همکاران (۲۰۲۵) مطابقت دارد. در مقابل، مالکیت دولتی و نهادی که در بسیاری از مطالعات بین‌المللی، آثار معناداری بر رفتار سرمایه‌گذاری بانک‌ها داشته‌اند، در بستر ایران بی‌اثر یا دست‌کم غیرمعنادار ظاهر شدند؛ امری که در نفوذ سیاسی دولت، نبود استقلال کافی نهادهای سرمایه‌گذار و ضعف کارایی سازوکارهای نظارتی رسمی ریشه دارد. در این راستا، نتایج مطالعات اسعدی و ابری (۱۳۹۹) و روشن، خداحمی و صراف (۱۴۰۴) بیانگر آن بود که مالکیت دولتی و نهادی، به کاهش عملکرد بانک‌ها منجر می‌شود. افزون‌براین، فرضیه دوم پژوهش، مبنی بر نقش تعدیلگر استقلال کمیته حسابرسی نیز تأیید نشد و نشان داد که استقلال کمیته‌های حسابرسی، در شرایط موجود، نمی‌تواند به تنهایی مانع ورود بانک‌ها به فعالیت‌های سوداگرانه شود. این یافته می‌تواند با شرایط خاص نظام بانکی ایران مرتبط باشد، جایی که قدرت واقعی کمیته‌های حسابرسی به محدودیت‌های اجرایی و نظارتی بستگی دارد و استقلال رسمی اعضا، به تنهایی تضمین‌کننده اثرگذاری نیست. به عبارت دیگر، وجود کمیته حسابرسی مستقل، بدون سازوکارهای عملیاتی و پایش مؤثر، نمی‌تواند انگیزه‌های مدیران و سهام‌داران عمده را در رفتار سرمایه‌گذاری متأثر سازد. این موضوع با نتیجه منصوری‌نیا و عظیمی (۱۴۰۱) مطابقت ندارد. بنابراین، تأیید و رد فرضیه‌ها در این پژوهش، بیش از آنکه بازتابی از مبانی نظری عمومی باشد، نمایانگر اقتضات بومی و چالش‌های نهادی خاص ایران است.

یافته‌های این پژوهش برای سیاست‌گذاران، نهادهای ناظر و مدیران بانکی، چند پیام روشن دارد. در گام نخست، مدیران بانک‌ها باید بپذیرند که استمرار بنگاه‌داری بیش از آنکه بازدهی پایدار ایجاد کند، ریسک نقدینگی و اعتباری را افزایش می‌دهد و اعتماد عمومی به نظام بانکی را تضعیف می‌کند. در واقع، بنگاه‌داری به مثابه شمشیر دولبه عمل می‌کند؛ درحالی‌که می‌تواند فرصت‌هایی برای سودآوری فراهم آورد، برای ثبات بانک‌ها و خطر جریمه‌های نظارتی، تهدیدی جدی را نیز به همراه دارد. از این‌رو، مدیران باید تلاش کنند که هم‌سویی منافع خود و سهام‌داران عمده را از طریق افزایش مالکیت مدیریتی و اعمال سازوکارهای انگیزشی شفاف و سنجیدنی تقویت کنند. این اقدامات نه تنها احتمال ریسک‌های نقدینگی و اعتباری را کاهش می‌دهد، بلکه اعتماد سرمایه‌گذاران و عموم مردم به بانک را حفظ می‌کند. در همین راستا، ایجاد و تقویت واحدهای نظارت داخلی با استقلال واقعی و مسئولیت‌های مشخص، امکان پایش مستمر سرمایه‌گذاری‌ها و شناسایی فعالیت‌های سوداگرانه پیش از بروز مشکل را فراهم می‌کند. افزون‌براین، کمیته‌های حسابرسی، باید نقشی فراتر از جنبه تشریفاتی داشته باشند و به‌عنوان بازوی کنترلی اثرگذار، ارزیابی مستمر عملکرد سرمایه‌گذاری‌ها و گزارش‌دهی شفاف به هیئت‌مدیره را انجام دهند تا انگیزه‌های ورود به فعالیت‌های غیرمولد کاهش یابد.

از منظر دولت و سیاست‌گذاران کلان، نتایج نشان می‌دهد که بنگاهداری بانک‌ها، بیش از آنکه تابعی از نظریه‌های کلاسیک حاکمیت شرکتی باشد، تحت تأثیر مداخله‌های سیاسی و ضعف نهادی قرار دارد. بنابراین، ضروری است نقش مالکیتی دولت در بانک‌ها بازتعریف شود. دخالت مستقیم دولت در تصمیم‌های بانکی، علاوه بر تضعیف استقلال بانک‌ها، مشکلات نمایندگی و ناکارآمدی مالی را تشدید می‌کند. به عبارت دیگر، دولت می‌تواند با تدوین مقررات حمایتی، ارائه چارچوب‌های حقوقی روشن و تعیین استانداردهای عملکردی برای سرمایه‌گذاری نهادی، نقش آن‌ها را در هدایت رفتار سرمایه‌گذاری بانک‌ها مؤثرتر سازد. این رویکرد به جای دخالت مستقیم در تصمیم‌های عملیاتی، مسیر طبیعی سازوکارهای حاکمیت شرکتی و سازوکارهای بازار را تقویت می‌کند و امکان کنترل داخلی و هم‌سویی منافع مدیران با سهام‌داران را بهبود می‌بخشد. هم‌زمان، سیاست‌گذاران می‌توانند با ایجاد زیرساخت‌های قانونی و نهادی برای انتشار شفاف اطلاعات و نظارت دقیق بر تصمیم‌های سرمایه‌گذاری، زمینه کاهش ریسک‌های مرتبط با بنگاهداری را فراهم آورند و مانع اثرگذاری مداخله‌های غیرضروری شوند.

از دیدگاه نهادهای ناظر همچون بانک مرکزی، یافته‌ها نشان داد که ضعف در ابزارهای نظارتی و نبود شفافیت، یکی از ریشه‌های اصلی گسترش بنگاهداری در ایران است. بنابراین، بازنگری در مقررات و طراحی سازوکارهای الزام‌آور برای افزایش اثربخشی کمیته‌های حسابرسی، ارتقای استانداردهای گزارشگری مالی و شفافیت و اعمال جریمه‌های مؤثر برای بانک‌هایی که منابع خود را به فعالیت‌های غیرمولد منحرف می‌کنند، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. علاوه بر این، همگام‌سازی مقررات داخلی با استانداردهای بین‌المللی، همچون الزامات بازل می‌تواند ثبات و سلامت بیشتری برای نظام بانکی ایران به همراه داشته باشد. در مجموع، پیشنهادها حاکی از آن است که اصلاح ساختار مالکیت، توانمندسازی نهادهای حاکمیتی و ارتقای کیفیت نظارت، می‌تواند گامی اساسی برای مهار بنگاهداری و بازگرداندن بانک‌ها به مأموریت اصلی آن‌ها، یعنی تأمین مالی تولید و توسعه اقتصادی کشور باشد.

این پژوهش نیز مانند هر مطالعه علمی با محدودیت‌هایی همراه است. نخست آنکه داده‌های مورد استفاده، فقط به بانک‌های ایرانی مربوط است و به همین دلیل، تعمیم نتایج به سایر کشورها، به‌ویژه اقتصادهای توسعه‌یافته، باید با احتیاط صورت گیرد. دوم، پژوهش حاضر تنها بر ساختار مالکیت و نقش استقلال کمیته حسابرسی تمرکز داشت و سایر سازوکارهای حاکمیت شرکتی همچون کیفیت حسابرسی مستقل در نظر گرفته نشد. بر همین اساس، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آتی به چند مسیر مهم توجه کنند. نخست، انجام مطالعات تطبیقی میان کشورهای در حال توسعه مشابه ایران، می‌تواند روشن سازد که تا چه حد یافته‌های این پژوهش، از شرایط نهادی خاص ایران نشئت گرفته است یا جنبه‌ای عمومی دارد. دوم، گسترش دامنه متغیرها و بررسی سایر سازوکارهای حاکمیت شرکتی، می‌تواند به درک جامع‌تری از عوامل بازدارنده یا تقویت‌کننده بنگاهداری بانک‌ها منجر شود. سوم، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آتی با ترکیب روش‌های کمی و کیفی، به‌ویژه از طریق مصاحبه با مدیران بانکی و نهادهای ناظر، به تحلیل‌ها عمق بیشتری ببفzایند. چنین رویکردی می‌تواند محدودیت‌های پژوهش حاضر را برطرف سازد و شواهد غنی‌تری برای اصلاح سیاست‌ها و ارتقای کارایی نظام بانکی فراهم آورد.

منابع

- اسعدی، عبدالرضا و ابری، محمدعلی (۱۳۹۹). اثر ساختار مالکیت و حاکمیت شرکتی بر عملکرد بانک‌ها: با رویکرد معادلات ساختاری. *اقتصاد پولی مالی*، ۲۷(۱۹)، ۲۲۳-۲۴۸.
- پورصفر، زینب و معصومی‌نیا، علی (۱۴۰۱). تحلیل و بررسی ارتباط بین بنگاهداری بانک‌ها و رشد اقتصادی ایران. *جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۵(۷)، ۸۲۳-۸۴۸.
- خدادادی، ولی؛ قربانی، رامین و خوانساری، نیکو (۱۳۹۳). بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر حق‌الزحمه حسابرسی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۱(۱)، ۵۷-۷۲.
- روشن، محمد؛ خدارحمی، بهروز و صراف، فاطمه (۱۴۰۴). سنجش ریسک اعتباری و کفایت سرمایه با توجه به اندازه و ساختار مالکیت بانک‌های بورسی ایران بر اساس مدل گشتاورهای تعمیم‌یافته پانلی (GMM). *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۱۴(۵۴)، ۳۱۳-۳۲۹.
- عباسی، ابراهیم؛ تامرادی، علی و رستمی‌نیا، رضا (۱۴۰۱). عوامل مؤثر بر تعداد جلسه‌های کمیته حسابرسی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۹(۲)، ۳۳۹-۳۵۸.
- کریمی وردنجانی، رضا؛ حسن‌زاده سروستانی، حسین؛ قوام، محمدحسین و غفاری، امیر (۱۳۹۹). شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر ایجاد پدیده بنگاهداری در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران و تبیین پیامدهای حاصل از آن. *تحقیقات مالی اسلامی*، ۱۰(۱)، ۳۷۷-۴۱۰.
- مظاهری، طهماسب؛ شیرکوند، سعید و جمالی، علی (۱۳۹۷). تأثیر محدودیت فعالیت غیربانکی و بنگاهداری بانک‌ها بر کفایت سرمایه آن‌ها در کشورهای در حال توسعه. *فصلنامه پژوهش‌های پولی - بانکی*، ۱۱(۳۷)، ۳۵۵-۳۸۲.
- منصوری‌نیا، الهام و عظیمی، امیرحسین (۱۴۰۱). نقش کیفیت نهادی در رابطه بین ساختار کمیته حسابرسی و ثبات بانک. *نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری*، ۶(۲۱)، ۱۱۷۳-۱۱۹۴.
- نمازی، محمد و کرمانی، احسان (۱۳۸۷). تأثیر ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۵(۴)، ۸۳-۱۰۰.

References

- Abbasi, E., Tamoradi, A. & Rostaminia, R. (2022). Factors Affecting the Number of Audit Committees Meetings. *Accounting and Auditing Review*, 29(2), 339-358. <https://doi.org/10.22059/ACCTGREV.2021.324101.1008558> (in Persian)
- Achsanta, A. F., Lepetit, L. & Tarazi, A. (2022). Government ownership of banks: Implications for minority shareholders. *Economic Modelling*, 112, 105842. <https://doi.org/10.1016/j.econmod.2022.105842>
- Adu, D. A. & Roni, N. N. (2024). Bank climate change initiatives, ownership structures, and corporate governance mechanisms: Evidence from emerging economies. *Business Strategy and the Environment*, 33(4), 3039-3077. <https://doi.org/10.1002/bse.3640>

- Alomair, A. & Al Naim, A. S. (2025). The influence of board, CEO, and audit committee chairman busyness on the value relevance of accounting information in Saudi listed firms. *Plos One*, 20(1), e0315886. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0315886>
- Armitage, S., Gallagher, R. & Xu, J. (2025). Institutional ownership and investment by private companies. *The British Accounting Review*, 101585. <https://doi.org/10.1016/j.bar.2025.101585>
- Asadi, A. & Abri, M. A. (2020). The effect of ownership structure and corporate governance on performance of banks: using structural equations approach. *Monetary & Financial Economics*, 27(19), 223-248. <https://doi.org/10.22067/mfe.2021.39356> (in Persian)
- Ashiru, F., Adegbite, E., Frecknall-Hughes, J. & Daodu, O. (2024). Reliability of the audit committee in weak institutional environments: Evidence from Nigeria. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 57, 100657. <https://doi.org/10.1016/j.intaccaudtax.2024.100657>
- Bellardini, L., Murro, P. & Previtali, D. (2024). Measuring the risk appetite of bank-controlling shareholders: The Risk-Weighted Ownership index. *Global Finance Journal*, 60, 100935. <https://doi.org/10.1016/j.gfj.2024.100935>
- Berger, A. N., Imbierowicz, B. & Rauch, C. (2016). The roles of corporate governance in bank failures during the recent financial crisis. *Journal of Money, Credit and Banking*, 48(4), 729-770. <https://doi.org/10.1111/jmcb.12316>
- Bulfone, F. & Moschella, M. (2025). Is politics Bad for banking? how political ownership shaped the historical trajectory of Italian banks. *New Political Economy*, 1-15. <https://doi.org/10.1080/13563467.2024.2446184>
- Cao, C. & Zhang, Y. (2024). A study of the impact of staggered boards on corporate financialization: from the perspective of board governance. *Frontiers in Psychology*, 15, 1377948. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2024.1377948>
- Chen, B., Li, J. & Zhang, J. (2025). How corporate financialization affects main business performance—Empirical evidence based on a dynamic panel threshold model. *PloS one*, 20(1), e0317892. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0317892>
- Cromwell, R. S. & Peprah, J. A. (2025). Banking business models and sustainable development: Challenges and opportunities. *Strategic approaches to banking business and sustainable development goals*, 3-22.
- Dang, V. D. & Huynh, J. (2022). Monetary policy and bank performance: The role of business models. *The North American Journal of Economics and Finance*, 59, 101602. <https://doi.org/10.1016/j.najef.2021.101602>
- Ding, B. Y. & Wei, F. (2023). Overlapping membership between risk management committee and audit committee and bank risk-taking: Evidence from China. *International Review of Financial Analysis*, 86, 102501. <https://doi.org/10.1016/j.irfa.2023.102501>
- Elyasiani, E. & Jia, J. (2025). Institutional ownership and bank failure. *Journal of Financial Stability*, 76, 101366. <https://doi.org/10.1016/j.jfs.2024.101366>

- Emengini, E. S., Moguluwa, S. C., Aernan, J. E. & Anago, J. C. (2025). Ownership structure characteristics and banks performance. *Corporate Governance: The International Journal of Business in Society*, 25(3), 510-533. <https://doi.org/10.1108/CG-03-2023-0096>
- Ezechi, O. N., Famoti, O., Ewim, C. P. M., Eloho, O., Muiyiwa-Ajayi, T. P., Igwe, A. N. & Ibeh, A. I. (2025). Service quality improvement in the banking sector: A data analytics perspective. *International Journal of Advanced Multidisciplinary Research and Studies*. 5(1), 958-971. <https://doi.org/10.62225/2583049X.2025.5.1.3749>
- Fan, X., Tang, Z., Huang, W. & Yang, K. (2025). Ownership concentration and corporate greenwashing in China's capital markets: Based on a multi-actors perspective. *Pacific-Basin Finance Journal*, 89, 102600. <https://doi.org/10.1016/j.pacfin.2024.102600>
- Guo, J., Zheng, Y., Du, S. & Tian, G. L. (2025). Institutional shareholding, corporate financialization, and regulatory penalties for listed companies. *International Review of Economics & Finance*, 99, 103998. <https://doi.org/10.1016/j.iref.2025.103998>
- Hazzaa, O. T., Abdullah, D. F. & Sadaa, A. M. (2024). Influence of CEO characteristics and audit committee on financial performance: Evidence from Iraq. *Journal of Open Innovation: Technology, Market, and Complexity*, 10(2), 100290. <https://doi.org/10.1016/j.joitmc.2024.100290>
- Hryckiewicz, A., Kryg, N., Tsomocos, D. P. & Zadorozhna, O. (2025). Unveiling the Power of State Activism in Times of Distress. *Economic Analysis and Policy*. In Press, Journal Pre-proof. <https://doi.org/10.1016/j.eap.2025.04.006>
- Inanoglu, H., Lynch, D. & Modig, Z. (2025). *Impact of the Volcker Rule on the Trading Revenue of Largest US Trading Firms During the COVID-19 Crisis Period*. Board of Governors of the Federal Reserve System (US). <https://doi.org/10.17016/FEDS.2025.005>
- Islam, M. N. & Hashim, F. (2023). Audit committee attributes and corporate tax avoidance: the moderating role of audit committee independence. *International Journal of Advanced Research in Economics and Finance*, 5(1), 99-113. <https://doi.org/10.55057/ijaref.2023.5.1.11>
- Kamani, E. F. (2019). The effect of non-traditional banking activities on systemic risk: Does bank size matter?. *Finance Research Letters*, 30, 297-305. <https://doi.org/10.1016/j.frl.2018.10.013>
- Karimi Vardanjani, R., Hasanzadeh Sarvestani, H., Gavam, M. H. & Ghafari, A. (2020). Identifying and Ranking the Factors Affecting the Establishment of Entrepreneurship in the Banking System of the Islamic Republic of Iran and Explaining the Consequences. *Islamic Finance Research (IFR)*, 10(1), 377-410. <https://doi.org/10.30497/ifr.2020.75396> (in Persian)
- Keerthana, B. & Kishore, H. R. (2024). A study on the evolution and impact of regulatory frameworks in investment banking. *International Journal of Multidisciplinary Trends*, 6(12), 100-104. <https://doi.org/10.22271/multi.2024.v6.i12b.542>
- Khodadadi, V., Ghorbani, R. & Khansari, N. (2014). Investigating the Effect of Ownership Structure on Audit Fees. *Accounting and Auditing Review*, 21(1), 57-72. <https://doi.org/10.22059/ACCTGREV.2014.50783> (in Persian)

- Kirimi, P. N. (2024). Effect of banks' ownership structure on financial performance: evidence from banks in an emerging market. *Measuring Business Excellence*, 28(1), 137-150. <https://doi.org/10.1108/MBE-04-2023-0052>
- Krahnen, J. P., Noth, F. & Schüwer, U. (2017). Structural reforms in banking: the role of trading. *Journal of Financial Regulation*, 3(1), 66-88. <https://doi.org/10.1093/jfr/fjw018>
- Lin, C. & Long, Y. E. (2025). Hometown CEOs and corporate financialization. *Finance Research Letters*, 76, 106973. <https://doi.org/10.1016/j.frl.2025.106973>
- Lin, Y., Deng, H. & Wang, Y. (2025). Institutional investors' site visits and corporate financialization in China. *International Review of Financial Analysis*, 97, 103852. <https://doi.org/10.1016/j.irfa.2024.103852>
- Liu, Y., Brahma, S. & Boateng, A. (2020). Impact of ownership structure and ownership concentration on credit risk of Chinese commercial banks. *International Journal of Managerial Finance*, 16(2), 253-272. <https://doi.org/10.1108/IJMF-03-2019-0094>
- Lockwood, E. (2025). *Death by a thousand clarifications: how the Volcker Rule's inevitable ambiguity makes it easy to erode and hard to defend while leaving the power of banks unchecked*. Bristol University Press, Policy Press. <https://www.jstor.org/stable/jj.18323805.15>
- Ma, X., Liu, G., Liu, Y. & He, F. (2025). Government Ownership of Banks and Corporate Maturity Mismatch: Evidence from China. *Journal of Banking & Finance*, 107458. <https://doi.org/10.1016/j.jbankfin.2025.107458>
- Mansourinia, E. & Azimi, A. H. (2022). The role of institutional quality in the relationship between audit committee structure and bank stability. *Journal of New Research Approaches in Management and Accounting*, 6(21), 1173–1194. <https://majournal.ir/index.php/ma/article/view/1511> (in Persian)
- Mariana, C. D. & Raz, A. F. (2025). Central banks' financial stability orientation and bank risk-taking. *Journal of Financial Stability*, 101409. <https://doi.org/10.1016/j.jfs.2025.101409>
- Mazaheri, T., Shirkavand, S. & Jamali, A. (2018). The impact of restrictions on non-banking activities and banks' conglomerate behavior on their capital adequacy in developing countries. *Quarterly Journal of Monetary and Banking Research*, 11(37), 355–382. <https://doi.org/20.1001.1.26453355.1397.11.37.5.8> (in Persian)
- Mu, Q. (2025). The Impact of Ownership Concentration, Internal Risk Governance, Capital Regulation Pressure and Income Diversification on Performance and Stability of City Commercial Banks. *Journal of Applied Economics and Policy Studies*, 16, 12-20. <https://doi.org/10.54254/2977-5701/2025.20437>
- Namazi, M. & Kermani, E. (2009). Investigating the Effects of Ownership Structure on The Performance of the Companies Accepted in the Tehran Stock Exchange. *Accounting and Auditing Review*, 15(4), 83-100. <https://doi.org/20.1001.1.26458020.1387.15.4.6.0> (in Persian)
- Nguyen, Q. K. (2022). Audit committee structure, institutional quality, and bank stability: Evidence from ASEAN countries. *Finance Research Letters*, 46, 102369. <https://doi.org/10.1016/j.frl.2021.102369>

- Poursefer, Z. & Masouminia, A. (2022). Analysis of the relationship between banks' conglomerate activities and Iran's economic growth. *Iranian Political Sociology*, 5(7), 823–848. <https://doi.org/10.30510/PSI.2022.313601.2586> (in Persian)
- Roshan, M., Khodarahmi, B. & Sarraf, F. (2025). Measuring credit risk and capital adequacy according to the size and ownership structure of Iran's listed banks based on the generalized panel moments model (GMM). *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 14(54), 313-329. https://www.jmaak.ir/article_23582.html (in Persian)
- Seth, H. & Saxena, A. (2025). Demystifying the nexus of audit committee characteristics and sustainability performance. *Managerial Finance*, 51(8), 1352-1376. <https://doi.org/10.1108/MF-06-2024-0434>
- Sharma, V. D., Sharma, D. S. & Ananthanarayanan, U. (2011). Client importance and earnings management: The moderating role of audit committees. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 30(3), 125-156. <https://doi.org/10.2308/ajpt-10111>
- Vo, T. T. A. & Joseph, N. L. (2024). Institutional mechanisms, ownership and bank risk-taking during crises. *The British Accounting Review*, 101451. <https://doi.org/10.1016/j.bar.2024.101451>
- Westman, H. (2014). *Crisis performance of European banks—does management ownership matter?* Bank of Finland, <https://urn.fi/URN:NBN:fi:bof-201411243340>
- Wu, F. L., Zhou, J. Q. & Wang, M. H. (2024). The writing on the wall: A connectedness-based analysis of ownership structure and bank risk in China. *International Review of Financial Analysis*, 95, 103465. <https://doi.org/10.1016/j.irfa.2024.103465>
- Xiao, M. & Chen, N. (2025). How does social trust promote enterprises' financialization?. *International Review of Financial Analysis*, 97, 103819. <https://doi.org/10.1016/j.irfa.2024.103819>
- Yang, J., Jiang, T., Wen, X. & Dai, L. (2024). Time-varying and spillover effects of the macroeconomy on nonfinancial corporate financialization: evidence from China. *Journal of Asian Economics*, 90, 101679. <https://doi.org/10.1016/j.asieco.2023.101679>
- Yosra, M. N. I. F. & Tahari, M. (2022). Audit committee characteristics and compliance by Islamic banks with AAOIFI accounting standards. *Advances in Accounting*, 57, 100596. <https://doi.org/10.1016/j.adiac.2022.100596>
- Zhao, Y. & Su, K. (2022). Economic policy uncertainty and corporate financialization: Evidence from China. *International Review of Financial Analysis*, 82, 102182. <https://doi.org/10.1016/j.irfa.2022.102182>